

واکاوی تقریب و وحدت در اندیشه امام موسی صدر و امام خمینی(ره) با تکیه بر ضرورت و راهکارها

احسان منصوری^۱؛ مرتضی بیات^۲؛ محمود صیدی^۳

چکیده

بی‌شک در بین شخصیت‌هایی که در تقریب مذاهب و وحدت بین تشیع و تسنن قدم‌های بزرگی برداشته‌اند می‌توان از امام موسی صدر و امام خمینی(ره) نام برد. به نظر امام موسی صدر وحدت بین مذاهب اسلامی نه تنها امکان پذیر بلکه امری ضروری است. هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست اینها پیروان دو مذهب از یک دین واحدند. خطر در تعدد فرقه‌ها نیست بلکه خطر در جایی است که تعدد فرقه‌ها سمت و سوی منفی پیدا می‌کند. در دیدگاه امام موسی صدر دستیابی به وحدت فقهی، اجتهاد در نص به جای فتوا، تشکیل کمیته‌ای برای یکسان کردن شعائر اسلامی مانند عیدها و موسم‌های عبادی و مناسک و اذان و جماعت، گردآوری تمام روایاتی که مسلمانان با اتفاق نظر از پیامبر نقل کرده‌اند می‌تواند گام مهمی در تقریب به وحدت باشد. از سوی دیگر زعیم عالم تشیع حضرت امام خمینی نیز با درک ضرورت وحدت به ارائه اندیشه‌های خویش در این باب پرداخت. جنایت بودن طرح اختلاف، ایجاد اخوت و برادری و وجوب الهی وحدت و تقریب و آسیب ناپذیری مسلمانان به وسیله وحدت بخشی از این منظومه فکری است. تأکید بر هدف واحد، شعائر مذهبی و خداخواهی نیز بخشی از راهکارهای حضرت امام برای ایجاد تقریب و وحدت است.

واژگان کلیدی: امام خمینی(ره)، امام موسی صدر، تقریب و وحدت، مذاهب اسلامی، ضرورت و راهکارها

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم

^۲ عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه اراک

^۳ استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه شاهد

مقدمه

برای ورود به بحث تقریب و وحدت می‌بایست ابتدا تحلیلی واژگانی و سپس اصطلاحی از معنای وحدت و تقریب صورت پذیرد.

وحدت در لغت به یگانه (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۲۳۲: ۱۵ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵۷) و همبستگی، همدستی، یکی بودن و یکدلی معنا شده است (عمید، ۱۳۶۱: ۱۱۳). این کلمه در مقابل دو واژه مذموم اختلاف (ناسازگاری) و تفرقه (پراکنده نمودن) قرار دارد (دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۴: ۳۸۵). در اصطلاح تعریف اتحاد امت اسلامی به تبدیل یکی به دیگری و یا یکی شدن غیر قابل تحقق است بلکه به معنی تعامل بر اساس اشتراکات مذهبی است (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱: ۹۱) برخی از اندیشمندان وحدت را مقوله ای رفتاری و منشی و به معنی سجایا و صفات، رفتارها و منش ها، پایبندی های پایدار و اخلاق برجسته معنی کرده اند (آل کاشف الغطاء، ۱۴۰۴: ۳۶) و (علی اکبری، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

از نظر لغوی تقریب «قَرَّبَ، تَقْرِبًا» به معنای نزدیک کردن است (ابن منظور، بی تا، باب القاف) و در اصطلاح، تقریب در مفهوم عام تلاش علمای اسلامی برای نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی با هدف شناخت یکدیگر به منظور دستیابی به اخوت دینی بر اساس اصول و مشترکات اسلامی؛ یعنی اعتقاد به خدا، وحدانیت خدا، نبوت پیامبر و اعتقاد به معاد است و در مفهوم خاص حرکتی است که علمای مذاهب اسلامی آن را پایه‌گذاری کرده‌اند و هدف از آن نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر و رفع اختلاف و گاه خنثی کردن دشمنی مسلمانان به منظور متحد کردن آنان است و تحقق این امر به اجتماع عالمان مذاهب اسلامی در مکانی واحد و طرح مسائل نظری اجتهادی در محیطی صمیمی برای دستیابی به حقایق و واقعیت‌های اسلامی و نشر نتیجه بحث‌ها بین پیروان وابسته است. روشن است در تقریب مذاهب، اصل و هدف مشترک، ایجاد مودت و اخوت اسلامی است، اخوت اسلامی که قرآن بر آن تأکید دارد و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» (حجرات، ۱۰)؛ «مؤمنان باهم برادرند، پس میان آنها آشتی افکنید» (ظهیری، ۱۳۹۲: ۸۳)

بیان مسأله

با تحلیل واژگانی که نسبت به وحدت و تقریب انجام شد آشکار است که اصل این مسأله مورد پذیرش عقلا می‌باشد اما اینکه چگونه و با چه تلقی اسلامی می‌توان با این مسأله مواجهه داشت خود راهی برای نیل به تقریب و وحدت می‌گشاید. با ایجاد گروه‌ها و فرقه‌های افراطی در کشورهای اسلامی مانند القاعده، داعش و النصره که ذیل وهابیت عمل می‌نمایند و از سویی دیگر تشیع انگلیسی ضرورت تحلیل محتوایی و ارائه راهکار حول تقریب و وحدت ضروری می‌نماید.

از سوی دیگر ایجاد وحدت و تقریب عاملانی انسانی می‌طلبند که بتوانند به عنوان شاخص و نیروی محرکه در تلاطم تفرقه‌ها و اختلاف‌ها عمل نمایند. در میان این افراد شاخص، امام موسی صدر و امام خمینی را می‌توان به عنوان دو تن از این افراد قلمداد نمود امام موسی صدر هم در حوزه علم و اندیشه از عالمان تشیع به شمار می‌آمد و هم در حوزه عمل توانست جامعه پر از تشّت لبنان را به سمت وحدت سوق دهد. امام خمینی هم در حیث مرجعیت فقهی و تبحر در علوم عرفانی و عقلی و از سوی دیگر تشکیل جمهوری اسلامی توانست در این مسیر نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. در مقاله حاضر از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و با بهره‌گیری از آثار مکتوب و سخنرانی‌های این دو شخصیت بزرگ به واکاوی این موضوع پرداخته شده است. از سوی دیگر واکاوی تقریب و وحدت با تطبیق آراء امام موسی صدر و امام خمینی مسبوق به سابقه نیست.

در نهایت از محدودیت‌های تحقیق می‌توان به عدم طرح مسأله تقریب به صورت ویژه و مخصوص در آراء علمی این دو بزرگوار اشاره کرد. به عبارت دیگر اثری که شامل همه آراء تقریبی باشد و به صورت مستقل به آن توجه شده باشد در دسترس نیست و نگاشته نشده است.

۱) اندیشه امام موسی صدر

از آنجا که علم و اندیشه بر عمل مقدم است و این تقدم به این دلیل است که تا اندیشه نباشد هر گونه فعل و عمل حکیمانه به فعلیت نمی‌رسد ابتدا درباره اندیشه و تفکر امام موسی صدر درباره وحدت و تقریب بحث می‌گردد.

در اندیشه وی اینکه وحدت و یک‌پارچگی فرهنگ اسلامی از امتیازات مهم فرهنگ اسلامی می‌باشد باین معناست که هر کوشش فرهنگی در هر یک از جوانب تحقق پذیرد

باید با سایر کوشش‌ها هماهنگ و یکنواخت باشد. (صدر، ۱۳۶۰: ۷۸) امام طرفدار ایجاد یک جبهه متحد اسلامی بود (اباذری، ۱۳۸۶: ۱۱۲) و در سیستم فکری امام، اسلام به رغم بخشبندی دستورات آن در پژوهش‌ها و آثار مکتوب به بخش‌های فرهنگ و عقیده و فقه و اخلاق، واحدی است یکپارچه که قلمروهای آن در پیوند با یکدیگرند و بخش‌های آن در تعامل با یکدیگر. (صدر، ۱۳۸۷: ۱۱) با این نگاه بنیادی امام، می‌توان اندیشه او را حول وحدت مورد واکاوی قرار داد.

۱-۱) نیاز به وحدت

امام موسی صدر در برهه‌ای از زمان به لبنان گام نهاد که شیعیان در نهایت عسرت و تشّت زندگی می‌نمودند و از سوی دیگر کشور لبنان نیز درگیر اختلافات فرقه‌ای بود لذا اندیشه وحدت بیش از پیش در ذهن امام ضرورت می‌یافت چنانکه وی در نامه معروف خود به حسن خالد مفتی اهل سنت لبنان می‌نویسد:

باری در این روزهای سخت که امت ما در نگرانی عمیقی فرو رفته و با خطراتی رویاروست که از هر سو منطقه را محاصره کرده حال و آینده آن را در برابر طوفان قرار می‌دهد، نیاز مبرم مسلمانان را نسبت به یک وحدت فراگیر و به هم پیوسته، آشکارا و روز به روز بیشتر احساس می‌کنیم. (شرف الدین، ۱۳۸۶: ۱۵۹)

در اندیشه امام، مذهب جایگاهی به اندازه دین ندارد و وقتی دین وجود دارد مذهب صرفاً به عنوان راهی است که در آن می‌توان به دین رسید.

به نظر امام کلمه مذهب به معنای راه است چرا که اسم مکان و مصدر از ماده ذهاب است پس مذاهب در اسلام به معنای راه‌هایی برای رسیدن به اسلام درک ابعاد آن و پرداختن به آیین‌های آن و اجتهاد دائمی در طول زمان است بر این اساس اوج التزام به مذهب این است که بُعد واقعی اش را به آن بدهیم و در آن زیاده روی نکنیم پس هدف، اسلام است و مذهب فقط وسیله و راه است و مسلمان پایبند نمی‌تواند هدف را فدای راه کند. این مبنای کلی است. (صدر، ۱۳۹۲: ۱۶۴) در این مبنای کلی آنچه اهمیت دارد و هدف است اسلام است لذا تأکید یک مسلمان درباره هدفش یعنی اسلام باید باشد.

از سوی دیگر علاوه بر اینکه اصل، دین است نه مذهب، در مذاهب نیز تناقض و اختلاف جدی وجود ندارد امام می‌نویسد:

هیچ تناقضی و اختلافی میان شیعه و سنی نیست اینها پیروان دو مذهب از یک دین واحدند(صدر، ۱۴۱۸ : ۲۹)

وی در جای دیگر اشاره می‌کند: تشیع و تسنن دو دین نیستند بلکه دو مذهب از یک دین هستند که سیاست، از سیاست بنی‌امیه که سخت طرفدار مذهب اهل سنت بودند تا حکومت صفویه که سخت طرفدار تشیع بودند میان آنها جدایی انداخته است این اختلاف که در نتیجه سیاست پدید آمده است باید زدوده شود زیرا تشیع و تسنن هر دو یک سرچشمه ، یک پیامبر و یک کتاب دارند اختلاف آنها تنها در این است که تشیع درباره مبارزه رهبران در اسلام روش و دیدگاهی خاص دارد(صدر، ۱۳۹۲ : ۱۵۴) در این تفکر محورهای وحدت، پیامبر واحد، سرچشمه واحد و کتاب واحد دانسته شده است و اختلاف تا بحث روش تقلیل داده شده است. امام با اینکه معتقد به تشیع است اما آن را تافته جدا بافته از اسلام نمی‌داند و آن را هم زمان با رسالت رسول‌الله می‌داند: شیعه فرقه خاصی نیست که پس از رسول خدا به وجود آمده باشد بلکه تشیع تفکری در زمان خود پیامبر بوده است(صدر، ۱۳۹۱ : ۲۴۹)

با اینکه لبنان در معرض اشغال رژیم صهیونیستی قرار دارد و ترس از این خطر در لبنان فراگیر است اما امام خطر اساسی را خطر داخلی و اختلافات، تفرقه و گروه گروه کردن مردم می‌داند (صدر، ۱۳۹۱ : ۳۶۵) در عین اینکه این خطر را گوشزد می‌نماید اما به آن به عنوان یک فرصت نیز می‌نگرد. این مسأله یکی از نقاط قوت تفکر امام است که نقاط ضعف را تبدیل به نقاط قوت می‌نماید چنانکه درباره تعدد فرق در جامعه می‌نگارد: اگر تعدد فرق باعث جدایی یا ضعفی در جامعه گردد بی‌تردید خطری برای کشور تلقی می‌شود اما اگر این تعدد در نهایت منجر به تبادل معارف و تجارب و تمدن‌ها شود به منزله نیرویی برای کشور است بنابراین خطر در تعدد فرقه‌ها نیست بلکه خطر در جایی است که تعدد فرقه‌ها سمت و سوی منفی پیدا می‌کند در ادیان از فرقه‌گرایی تقدیر نشده زیرا پیام ادیان منفی‌گرایی و توجه به پدیده‌های منفی نیست از نظر ما فرقه‌گرایی برگزین مشکل است. (صدر، ۱۳۹۱ : ۳۷۷)

یکی از پیشرفته‌ترین و کارآمدترین راه‌هایی که می‌توانست و می‌تواند به وحدت بین تشیع و تسنن کمک نماید ایده‌ای است که امام موسی صدر به نام ((وحدت فقهی)) مطرح نمود اگرچه نتوانست آن را به یک نظریه تمام عیار تبدیل نماید.

وی برای نیل به این وحدت دو گام را پیشنهاد می‌نماید: گام اول قصد و اراده علمای مذاهب مختلف و گام دوم وحدت بخشیدن به سنت رسول الله در بین مذاهب است. به نظر وی گام اول برداشته شده است. کتاب خلاف شیخ طوسی و تذکره علامه حلی و بعد از ایشان و در قرن حاضر تشکیل دارالتقریب با کمک علمای الازهر و آیت الله شرف الدین و آیت الله بروجردی نشانه‌ی برداشته شدن گام اول هستند. در گام دوم لازم است همه‌ی احادیث پیامبر اکرم تجمیع شده و بر آن اتفاق نظر حاصل شود. وی می‌نویسد:

مؤسسه دارالتقریب علاوه بر خدمات گسترده خود، در آرزوی طرحی بود که مرحوم پدرم امام سید صدر الدین اجرای آن را با نوشتن کتاب «لواء الحمد فی الاخبار الخاصه و العامه» آغاز نمود؛ و آن تلاشی بود در راه گرد آوری همه احادیثی که فرق مختلف اسلامی از نبی اکرم (ص) در همه زمینه‌های عقیدتی و احکام شریعت روایت کرده‌اند؛ بدین منظور که پس از قرآن کریم، مرجع دوم مسلمانان باشد. به عبارت دقیق تر، کوششی بود که در راه یکی کردن سنت پاک پیامبر صورت گرفته است. (شرف الدین، ۱۳۸۶: ۱۵۹)

موسسات دینی در قاهره علاوه بر موسوعه عبدالناصر للفقہ که گسترده ترین تحقیق در فقه تطبیقی است طرح دیگری در پیش رو دارند که عبارت است از گرد آوری تمام روایاتی که مسلمانان با اتفاق نظر از پیامبر نقل کرده اند این کار گامی بزرگ در راه یکپارچه سازی سنت نبوی و تحقق تقریب مذاهب است (صدر، ۱۳۹۲: ۳۰۶)

اگر این دو گام برداشته شود نوبت به پیاده سازی وحدت فقهی می‌رسد. به نظر وی دانشگاه دمشق و دانشگاه الازهر و همچنین استاد سید محمد تقی حکیم سعی کرده‌اند این نوع از وحدت را تئوریزه نمایند.

امام در این باره می‌نویسد: آنگاه نوبت به نوشتن دایره المعارف فقهی می‌رسد. دانشگاه دمشق نوشتن «الموسوعه الفقهیه» و دانشگاه الازهر کار تألیف «موسوعه عبدالناصر الاسلامی» را آغاز می‌کند و استاد بزرگ سید محمد تقی حکیم کتاب ارجمندی درباره اصول کلی فقه تطبیقی پدید می‌آورد (ر.ک به تسخیری، ۱۳۸۶: ۶۷) و ما نخستین ثمرات

این کوشش‌های سازنده را در فتاوی‌های فقهای فرق اسلامی آشکارا مشاهده می‌کنیم؛ چیزی که نشان می‌دهد ما به یاری خدا، در چند قدمی «وحدت فقهی» قرار گرفته ایم (شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۱۵۹)

به نظر امام اگر این وحدت فقهی به منصفه ظهور برسد می‌توان نتیجه آن را به صورت عینی در جامعه مشاهده کرد. در واقع مسئله وحدت‌هنگامی می‌تواند جامعه عمل به خود ببوشد که بتوانیم وحدت فقهی را بین مذاهب اسلامی پیاده‌سازی نمایم. اگر فروع احکام اسلامی یکی شود یا به هم نزدیک شود وحدت هم در احاد امت اسلامی مشاهده خواهد شد. یکی از همین کوشش‌ها یکی نمودن اعیاد و شعائر دینی است وی در این موضوع معتقد است:

از دو سال پیش به کنفرانس مجمع پژوهش‌های اسلامی پیشنهاد دادم که کمیته‌ای برای یکسان کردن شعائر اسلامی مانند عیدها و موسم‌های عبادی و مناسک و اذان و جماعت و... تشکیل دهد. من اطمینان دارم این هدف تحقق‌یافتنی است آشنایی مسلمانان با همدیگر و شناخت مذاهب از یکدیگر بهترین وسیله برای ایجاد اطمینان و اعتماد کامل و محبت راستین بین همه مسلمانان است چرا که دوری مذاهب و ناآشنایی آنان با دیگر مذاهب هر دو سبب شکاف و سوء ظن و بدگمانی بوده است چنین زمینه‌ای فرصت مناسبی برای فرصت طلبان و بداندیشان است تا افکار مسلمانان را دربارۀ یکدیگر پر از اوهام واهی کنند (صدر، ۱۳۹۲: ۱۶۶)

اما نکته مهم آن است که چگونه می‌توان منابع واحدی برای فقه یافت؟ پاسخ این پرسش در بحث وحدت احادیث و سنت رسول‌الله گفته شد اما نکته مهم دیگر این است که چگونه می‌توان با روشی واحد از این منابع برداشت فقهی داشته باشیم؟ وی برای این مسأله اجتهاد را به جای فتوا معرفی می‌نماید:

اتحاد ممکن است... قرآن، سنت، اجماع، عقل... همه اینها مورد اتفاق است. فقط یک مورد می‌ماند و آن مبنا قرار دادن قول صحابه نزد اهل سنت و مبنا قرار دادن قول ائمه نزد شیعیان است... که با توجه به اینکه اکنون به نص استناد می‌شود و می‌توان در چارچوب نص اجتهاد کرد و باب اجتهاد به جای فتوا باز است در این وضعیت اختلاف بین مذاهب کاهش یافته و اتحاد و یکپارچگی امکان پذیر شده است (صدر، ۱۳۹۲:

همچنین امام در مصاحبه با مجله الصور چاپ قاهره در جواب خبرنگار پیرامون وحدت بین مذاهب چنین گفت: این موضوع بعد از دستیابی به وحدت فقهی امکان پذیر است و تنها با گفتگوی خالی و مذاکره صوری رهبران مذاهب به دست نمی آید چون مذاهب در عمق جان پیروان خویش شکل گرفته است (اباذری، ۱۳۸۶: ۱۰۶)

با اینکه امام تاکید داشته است که اصل، دین است نه مذهب اما به دلیل اینکه مذاهب در جان پیروانشان رسوخ کرده اند می‌بایست وحدت را در مذاهب که مصداق عینی شان در احکام فقهی بروز می‌یابد شکل داد.

به نظر امام تا وحدت در شعائر پدید نیاید نمی توان انتظار وحدت در امت را داشت چنانکه مشاهده می شود اختلاف شمشیری دو لبه است و باید از لبه ی خطرناک آن که دامن زدن به اختلافات است برحذر بود امام تاکید می کند: تفاوت شعائر میان مسلمانان سبب بروز اختلاف میان آنان می شود از آنجا که غالبا برای مردم عامه زمینه ای وجود ندارد تا این گوناگونی روش ها را وسیله ای برای غنا و آراستگی امت قرار دهند عواملی غیر دینی همانند جهل و استعمار یا سیاست پا به صحنه می گذارند و این پدیده های متنوع را دست کم به عامل اختلاف و دودستگی گروه های اسلامی تبدیل می کنند (صدر، ۱۳۹۲: ۱۶۵)

درباره وحدت فقهی دو نکته قابل بررسی می باشد:

الف- هر چند امام نتوانسته است این نظریه را تثوریزه نماید اما پیش فرض هایی را می توان برای آن در نظر گرفت یکی از این پیش فرض ها آن است که می بایست درباره موضوع فقه به توافق رسیده شود که آیا می توان همه امور دین و دنیا را از فقه انتظار داشت و آیا در این مسأله با اهل سنت توافق حاصل می شود؟ به عبارت دقیقتر می بایست با اهل سنت در فلسفه فقه به موضعی واحد رسید.

ب- آیا روش های استنباط احکام فقهی که توسط اصول فقه طراحی می شود نیز مورد ملاحظه قرار گرفته است؟ به عبارت دیگر برای رسیدن به وحدت فقهی لازم است اصول فقه واحدی نیز تدوین گردد.

۳-۱) هدف‌های اجتماعی

به نظر امام موسی صدر می توان با تاسیس سازمان‌های مردمی که می‌توانند در حوزه اجتماعی قدم بردارند و به بهبود وضع اجتماعی مردم کمک کنند به وحدت مذاهب

نزدیک شد چرا که در کمک‌های اجتماعی دین و مذهب مراجعه کننده مدّ نظر قرار نمی‌گیرد.

یکی از کوشش‌های مشترک، کوشش‌هایی است که می‌تواند در جهت مبارزه با بی‌سوادی، بی‌خانمانی، سرپرستی ایتام و بالا بردن سطح زندگی زحمتکشان صورت پذیرد. بسیار ساده است که مؤسساتی را به همین منظور تأسیس کنیم یا به مؤسسات موجود رسیدگی بیشتر کنیم. (شرف الدین، ۱۳۸۶: ۱۵۹)

۴-۱) هدف‌های میهنی

موضوع فلسطین همواره یکی از دلایل مشترک مذاهب مختلف اسلامی برای وحدت بوده است چنانکه در لبنان نیز این موضوع باعث تقریب مذاهب به سوی یکدیگر شده است. امام در این زمینه شیخ حسن خالد را خطاب قرار می‌دهد و می‌نویسد:

آیا در وحدت احساسات میهنی ما شکی وجود دارد؟ لزوم مشارکت فعال در آزادی فلسطین، وظیفه پشتیبانی از لبنان در برابر آذهای دشمن مکار و وظیفه حمایت از نیروهای پایداری مقدس فلسطین و ضرورت آماده باش و همکاری کامل با کشورهای عربی برادر، برای رویارویی با تجاوزی که هر لحظه انتظار آن می‌رود و مسأله‌ی مصونیت بخشیدن به جنوب و سراسر لبنان تا چون دژی استوار شاخهای اسرائیل در برخورد با آن در هم بشکند و استعمار طمع خود را در برابر آن به فراموشی بسپرد. (شرف الدین، ۱۳۸۶: ۱۵۹)

۲) امام خمینی (ره)

بی‌شک یکی از بزرگترین منادیان وحدت و تقریب در دوران معاصر حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد. وی با نگاهی عمیق و وسیع که از مطالعات و اندیشه‌های سترگ فلسفی، فقهی و عرفانی برخاسته بود همراه با درایت و تیزهوشی ذاتی توانست اندیشه‌هایی متعالی حول وحدت و تقریب ارائه نماید. در این مقاله به ارائه مؤلفه‌های اندیشه حضرت امام در این موضوع خواهیم پرداخت.

۱-۲) ضرورت وحدت و تقریب

برای ورود به اندیشه تقریبی حضرت امام می‌بایست به ضرورت تقریب و وحدت در اندیشه ایشان بپردازیم.

۱-۱-۲) وحدت و تقریب، مقصد انبیاء

به نظر حضرت امام یکی از بزرگترین مقاصد انبیاء عظام الهی به ویژه برای ایجاد مدینه فاضله وحدت و تقریب بوده است. ایشان درباره این مسأله می‌نویسد:

یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می باشد توحید کلمه و توحید عقیده است. و این مقصد بزرگ انجام‌نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری (خمینی، ۱۳۸۰: ۳۰۹)

۲-۱-۲) وجوب الهی وحدت و تقریب

حضرت امام نه تنها بر عقلانی بودن و عرفی بودن ضرورت وحدت و تقریب تأکید دارد بلکه این امر را ناشی از یک وجوب الهی می‌داند. اینکه امری عقلانی و عرفی موجه باشد مهم است و اینکه خداوند نیز از طریق وحی خویش آن را واجب نموده باشد بر اهمیت موضوع می‌افزاید.

ایشان معتقد است: همان راهی را که اسلام دستور داده که با هم باشید. خداوند واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا را بر مردم واجب کرده. همه با هم باشید و تفرق در کار نباشد. (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱۸/۷)

۲-۱-۳) آسیب‌ناپذیری مسلمانان

یکی از مسائلی که هواره ذهن نخبگان جهان اسلام را به خود مشغول نموده است آسیب‌هایی است که مسلمانان از ناحیه کشورها و تمدن‌های استعمارگر دیده‌اند و این امر به صورت مرتب در چپاول سرمایه‌های مادی و انسانی مسلمانان عمل نموده است. حضرت امام از اخوت و برادری و تقریب به عنوان ضرورت جلوگیری از این امر تأکید می‌نماید.

اگر ما هیچ جهتی را ملاحظه نکنیم الا برادری خودمان را انسجام پیدا میکنیم. همه مومنین را همه مومنین را قرا» می‌خواهد که برادر هم باشند و غیر این هم نباشد در بین اگر همه مومنین در قطرهای اسلامی در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت بینشان انداخته است همین یک دستور را عمل بکنند قابل آسیب دیگر نیست... اگر این برادری در همه جا بود اگر این برادری در همه قشرهای ملتها بود این گرفتاری‌ها برای ما پیدا نمیشد. (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۴۸/۱۱)

۲-۱-۴) دست‌واحد علیه دشمنان

امام راحل به دلیل بصیرت فراوان در دشمن شناسی و شرایط پیشگیری از هجوم دشمن نیز بر امر وحدت و تقریب تاکید دارد.

وقتی دست به هم دادیم و همه شدیم ((ید واحد علی من سواها)) (مجلسی، ۱۴۰۳ : ۱۰۴/۲۸) همانطوری که فرمودند که اینها دست واحد هستند بر سوایشان اگر دست واحد شدیم برای من سواها هیچکس نمی‌تواند به ما ضرری بزند آن روز به ما ضرر می‌خورد که خللی در وحدت ما پیدا بشود. (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۲۲/۱۷)

۲-۲) عدم طرح اختلاف

دومین موضوع مهم در مسأله وحدت و تقریب مذاهب در اندیشه حضرت امام عدم وجود اختلاف به معنای جدی و قابل ملاحظه آن در اندیشه امام است. به عبارت دیگر اگر اختلافی وجود دارد نباید مطرح گردد و به صورت جدی بزرگ جلوه داده شده و مورد لحاظ قرار گیرد.

حضرت امام در پیام خود یک روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج مسایل متعدد و پیچیده آن روزها به این امر اساسی چنین اشاره دارد:

«ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم» (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۳۳/۶)

در سال ۱۳۵۸ نیز در پیامی به اهالی کردستان چنین می‌فرماید: «عوامل اجانب که منافع خود و اربابانشان را در خطر می‌بینند، برای تحریک برادران اهل سنت و دامن زدن به برادرکشی، قضیه شیعه و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیطنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است و برادران گُرد باید این تبلیغات غیر اسلامی را در نطفه خفه کنند» (خمینی، ۱۳۸۹: ۳۱۲/۹)

۲-۳) جنایت بودن ایجاد اختلاف مذهبی

امام ایجاد اختلاف را جنایت تعبیر می‌کند و بی‌شک تعبیر جنایت اشاره به عمق فاجعه این رخداد است. جنایت در جایی تعبیر می‌شود که به نفس انسانی ضرر وزیانی وارد

آید لذا حضرت امام ایجاد اختلاف در مذاهب اسلامی را عین جنایت میدانند چرا که باعث ایجاد لطمه به جان مسلمین می‌گردد. ایشان ایجاد اختلاف بین اهل سنت و شیعه را جنایت قلمداد می‌فرماید و بیان می‌دارد:

«از جمله جنایتهایی که بدخواهان به اسلام مرتکب شده‌اند ایجاد اختلاف بین برادران سنی و شیعی است» (خمینی، ۱۳۸۹: ۳۱۲/۹)

۴-۲) تأکید بر برادری

امام راحل اهل سنت و شیعه را برادر یکدیگر به حساب می‌آورد، برادری در اسلام همان اخوت است که ریشه‌ای به عمق اسلام و حضور مهاجرین در شهر مدینه دارد. این اخوت ریشه اختلاف را می‌خشکاند و بذر وحدت را در دل مؤمنین می‌کارد:

«یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و یک دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند؛ اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبود. در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم؛ منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی؛ یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند، اینها شدند شیعه، اینها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم، ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق، آنها می‌خواهند نه این باشد نه آن، راه را این طور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم، و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم.» (خمینی، ۱۳۸۹: ۵۴/۱۳)

۵-۲) اختلاف مذاهب خطرناکتر از ملی‌گرایی

اینکه کسی یا گروهی بخواهند در بین مسلمانان اختلاف بیندازند یا از روی جهل است و یا از روی عناد و دشمنی با اسلام است. امام راحل این مسأله را خوبی درک نموده و اولین احتمال یعنی جهل را عامل اختلاف افکنی معرفی می‌فرماید:

«لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند» (خمینی، ۱۳۸۹: ۶۲/۱۰)

در پیام خود به حجاج این اختلاف افکنی را خطرناکتر از ملی گرائی می‌داند:

«از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و عمل استعمارگران در تبلیغ آن بپاخته‌اند، قومیت و ملیت است که دولت عراق سالهاست بدان دامن می‌زند. و در ایران نیز دستجات محدودی دانسته یا ندانسته از آن ترویج و تأیید می‌کنند. و در سایر نقاط از ترک و گرد و دیگر طوایف هم همان راه را پیش گرفته اند و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده‌اند و حتی به دشمنی کشیده‌اند؛ غافل از آنکه حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست؛ و ملی گرایبی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر، مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم (ص) بر خلاف آن است؛ و آن ملی گرایبی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می‌شود بر خلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حیل‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند. از ملی گرایبی خطرناکتر و غم‌انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است، و القای تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی‌ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است.» (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۰۹/۱۳)

همچنین چهره اختلاف افکنان و پشت پرده این توطئه را چنین افشا می‌فرماید که:

«آنهايي که می‌خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند نه سنی هستند نه شیعه. اینها اصلاً به اسلام کار ندارند. و آلا کسی که به اسلام اعتقاد داشته باشد، در یک زمانی که با وحدت همه مسلمین باید پیشروی کنیم و پیروز بشویم ان شاء الله، این نمی‌آید دامن‌بزند به اختلاف و مسائل اختلافی را طرح کند، اینها نیست جز اینکه اشاره‌ای از خارج هست. و قدرتهای بزرگ فهمیدند که آن چیزی که آنها را عقب زده است اسلام است و وحدت مسلمین و برادری بین همه گروه‌های اسلامی، از این جهت، از اینجا شروع کردند که اینها را به هم بزنند.» (خمینی، ۱۳۸۹: ۳۸۱/۱۴)

«من امیدوارم که با همت همه آقایان، علمای اعلام همه بلاد و با اجتماع همه، برادرهای اهل سنت و برادرهای اهل شیعه مجتمع با هم باشند و از اختلافی که می‌خواهند فاسدها و مفسدها ایجاد کنند بین ماها، از این اختلافات پرهیز کنند.» (خمینی، ۱۳۸۹:

۵-۲) راهکارهای ایجاد تقریب و وحدت

حضرت امام همانگونه که درباره اصل وحدت و مسائل پیرامون آن بیانات مهمی دارد درباره ایجاد تقریب و وحدت نیز راهکارهایی را ارائه داده است که بررسی آن‌ها میتواند نقش مهمی در استراتژی امت اسلامی حول تقریب ایفا نماید.

۱-۵-۲) هدف واحد

اینکه مذاهب اسلامی و در نهایت امت اسلامی هدف واحد داشته باشد و تمامی اقدامات خود را حول این هدف واحد برنامه ریزی نماید به تقریب مذاهب کمک شایانی مینماید، یکی از این هدف‌ها حکومت عدل الهی است:

امیدوارم با این تشکلی که دارید این وحدت کلمه ای که دارید که همه را با هم در یک محل جمع کرده است ما را با شما در یک محل جمع کرده است امیدوارم که وحدت روحی و وحدت عقیدتی داشته باشیم و همه در صف واحد به جلو برویم به سوی حکومت عدل الهی. (خمینی، ۱۳۸۹: ۶۲/۵)

۲-۵-۲) خداخواهی

اینکه مذاهب اسلامی خداوند را به عنوان محور واحد در ایین خویش در نظر داشته باشند و در هر کاری خداوند را مد نظر داشته باشند قطعاً این امر سبب ایجاد تقریب و وحدت این مذاهب می‌گردد. این توحید فعلی است که عامل وحدت مذاهب می‌گردد. این اسلام بود که همه را با هم مجتمع کرد و این اسلام بود که شما را پیروز کرد. (خمینی، ۱۳۸۹: ۴۸/۷)

آن وحدت کلمه را ایمان آورد. (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۱۸/۷)

لازم است شما را به یک نکته نصیحت کنم و آن این است که اتحاد و انسجامتان را حفظ کنید شما باید بدانید که هر اختلاف و نزاعی شروع شود از باطن خود انسان است و هر اتحاد و انسجامی که حاصل شود از خداست. (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۴۷/۱۶)

وقتی که شما الهی شدید رحمانی شدید توجه به خدا داشتید دنبال او دیگر تفرقه حاصل نمیشود اختلاف حاصل نمیشود (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۸۵/۱۷)

۳-۵-۲) شعائر مذهبی

شاید برخی تصور نمایند که شعائر مذهبی عامل اختلاف مذاهب است چرا که معمولاً تبلور اختلافات در برپایی شعائر مذهبی نمایان میشود. اما حضرت امام توان بالایی در

تبدیل نمودن تهدیدها به فرصت‌ها دارد لذا با استفاده از شعائر مشترک مذاهب در پی تقریب و وحدت مذاهب مختلف است. یکی از این شعائر مراسم بزرگ حج است: جهات سیاسی زیادی در اجتماعات جماعات و جمعاعات و خصوصاً اجتماع گرانبهای حج می‌باشد که از آن جمله اطلاع بر گرفتاری‌های اساسی و سیاسی اسلام و مسلمین است که با گردهمایی روحانیون و روشنفکران و متعهدان زائر بیت الله الحرام ممکن است طرح و با مشورت از راه حل‌ها مطلع و در بازگشت به کشورهای اسلامی در مجتمع‌های عمومی گزارش داده و در رفع آنها کوشا شوند و از جمله وظایف در این اجتماع عظیم دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که خطبا و گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند. (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۲۳/۹)

لازم است زائرین بیت الله الحرام دست اخوت اسلامی به هم دهند و به آیات شریف الهی که آنان را به اعتصام به حبل الله فراخوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است توجه کنند. (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۹/۱۷)

یکی دیگر از شعائر مذهبی برگزاری مراسم اعیاد اسلامی است به ویژه مبعث حضرت رسول و میلاد حضرت رسول که امام تأکید فراوانی بر این اعیاد داشت: یکی از روزهایی که برای وحدت مسلمین، مسلمین آگاه، از سالهای طولانی انتخاب کردند مسأله این است که به اعیاد از قبیل مولود رسول اکرم یا سایر مولید و سایر ایام الله مردم احترام قائل شوند و اجتماع کنند در محافل و موجب تحکیم وحدت آنها بشود. در همین قضیه مولود حضرت رسول سلام الله علیه که از طرف بعضی از علمای ایران دعوت شده است به اینکه از دوازدهم تا هفدهم شرکت کنند همه مسلمین در جشن تا وسیله وحدت بین مسلمین باشد. (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۶۳/۱۵)

وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی نماز جماعت منعقد شد مومنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند. (خمینی، ۱۳۸۰: ۲۵۷)

نتایج بررسی

با بررسی های انجام گرفته در آثار مکتوب، سخنرانیها و سیره این دو بزرگوار یعنی امام موسی صدر و امام خمینی(ره) این نتیجه استنتاج می‌شود که درک ضرورت ایجاد تقریب و وحدت در مذاهب اسلامی بر همه مذاهب فرض است. نکته دوم آن است که هر دو سعی کرده‌اند راهکارهای لازم را برای ایجاد تقریب ارائه دهند.

نکته سوم این است که این راهکارها می‌بایست در حوزه اجرایی به منصفه ظهور برسند اما اینکه این اقدامات انجام شده یا نه مجال دیگری می‌طلبید. نکته چهارم این است که راهکارهای ارائه شده توسط امام موسی صدر که در فضای لبنان است با راهکارهای امام راحل در ایران بسیار نزدیک هستند و همین امر نشان دهنده تقرب معنوی اندیشه‌های خواص امت اسلامی در عین تفاوت جغرافیایی است. نکته پنجم این است که جهان اسلام بسط اندیشه های امام موسی صدر و امام خمینی را طلب می نماید به ویژه با ظهور القاعده، داعش و گروه‌های افراطی دیگر در جهان اسلام، این امر می‌تواند به تقریب و وحدت در جهان اسلام کمک نماید.

منابع و مأخذ:

- ۱- آل کاشف الغطاء، محمد حسین(۱۴۰۴ ه ق) کیف يتحد المسلمون حول الوحدة الاسلاميه، افکار و دراسته‌ها، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
- ۲- آن سفرکرده، آیت الله امام موسی صدر(۱۳۷۹)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات
- ۳- اباذری، عبدالرحیم(۱۳۸۶)، امام موسی صدر سروش وحدت، تهران، دوم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
- ۴- اباذری، عبدالرحیم(۱۳۸۱)، امام موسی صدر، تهران، جوانه رشد
- ۵- اباذری، عبدالرحیم(۱۳۷۴) امام موسی صدر امید محرومان، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم(۱۴۱۴)، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه
- ۷- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ اول، بی تا
- ۸- تسخیری، محمدعلی(۱۳۸۶) درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، تهران، دوم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

- ۹-تهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶)، *موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون
- ۱۰-خلیلی، محمود (۱۳۷۵)، *فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، یادنامه امام موسی صدر*، ویژه نامه ۵، مفخر دنیای اسلام، مرکز بررسی های اسلامی، صص ۳۰۴-۳۲۷
- ۱۱-خمینی، روح الله (۱۳۸۰) *شرح چهل حدیث*، تهران، بیست و چهارم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۱۲-خمینی، روح الله (۱۳۸۹) *صحیفه نور*، ج ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۹، ۷، تهران، پنجم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۱۳-خمینی، روح الله (۱۳۸۰) *مناسک حج*، تهران، پنجم، مشعر
- ۱۴-دعوتی، میرابوالفتح (۱۳۶۲) *مسلمین شیعه در لبنان (فعالیت ها و مقالاتی از امام موسی صدر)*، تهران، دهم، آثار بعثت
- ۱۵-دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹)، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران
- ۱۶-راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دار القلم
- ۱۷-شرف الدین، حسین (۱۳۸۶) *ابجدیه الحواری: محاضرات و ایحات للامام السید موسی الصدر*، بیروت، مرکز الامام موسی الصدر للابحاث و الدراسات
- ۱۸-صدر، موسی (۱۳۶۰) *اسلام و فرهنگ قرن بیستم*، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران، ششم، اطلاعات
- ۱۹-صدر، موسی (۱۳۹۲) *ادیان در خدمت انسان*، گروه مترجمان، تهران، دوم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر
- ۲۰-صدر، موسی (۱۴۱۸) *الامام الصدر و الحوار*، بیروت، مرکز الامام الصدر للابحاث و الدراسات
- ۲۱-صدر، موسی (۱۳۹۱) *نای و نی (جستارهایی درباره اسلام، انسان، لبنان، مقاومت)* ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر
- ۲۲-صدر، موسی (۱۳۹۱) *برای زندگی (گفتارهای تفسیری)*، ترجمه مهدی فرخیان، تهران، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر
- ۲۳-صدر، موسی (۱۳۸۷) *روح تشریح در اسلام*، اول، تهران، نشر شهر
- ۲۴-ظهیری، شعله (۱۳۹۲) *تقریب عملی مذاهب اسلامی، ضرورت ها و راهکارها*، حبل المتین، شماره ۵ سال ۲-صص ۷۸ تا ۹۷

۲۵- علی اکبری، راضیه (۱۳۹۲) *آینده پژوهی در پرتو انتظار پویا با تاکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی*، فصلنامه علمی ترویجی انتظار موعود، سال سیزدهم شماره ۴۰ بهار ۱۳۹۲ صص ۱۴۳-۱۶۴

۲۶- عمید، حسن (۱۳۶۱)، فرهنگ عمید، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر
۲۷- کمالیان، محسن و رنجبر، کرمانی، علی اکبر (۱۳۷۷) *عزت شیعه، قم، اول، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی*

۲۸- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳) *بحار الانوار*، دوم، بیروت، موسسه الوفاء
۲۹- یاران امام به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۹) *کتاب هفدهم پیرامون امام موسی صدر، تهران، اول، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات*